

تأثیر ترکیبات مختلف فساد بر جذب سرمایه در کشورهای همتراز سطح توسعه ایران

مهدی خداپرست مشهدی^۱

عبدالرحیم کردی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۱

چکیده

با وجودی که سرمایه به عنوان مهم ترین عامل در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه از اهمیت بسیاری برای این کشورها برخوردار است و به دلیل محدودیت های موجود در جذب آن، توجه بسیاری به سرمایه گذاری خارجی نیز می شود؛ اما عوامل متعددی وجود دارد که منافع حاصل از سرمایه گذاری، به ویژه سرمایه گذاری خارجی را کاهش می دهد. از جمله مهم ترین این عوامل، میزان فساد در کشور مقصد سرمایه است. مطالعات بسیاری نشان داده اند که فساد (با تأکید بر ادراک فساد) اثری منفی بر سرمایه گذاری در کشورها دارد. لذا به دلیل اهمیت این موضوع، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، این مطالعه به بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری (سرمایه گذاری مستقیم خارجی و سرمایه گذاری داخلی بخش خصوصی) با تأکید بر شاخص ادراک فساد، کنترل فساد و برخی دیگر از متغیرهای تعدیل کننده فساد که در حکمرانی دولت ها و لذا جذب سرمایه بیشتر مؤثر هستند، با استفاده از داده های تابلویی و مدل خودرگرسیون برداری در میان ۳۰ کشور در حال توسعه طی سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که ادراک فساد تأثیری بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی نداشته است؛ اما کنترل فساد اثر مثبت و معنی داری بر آن می گذارد. همچنین، هر دو شاخص ادراک فساد و کنترل فساد اثر مثبت و معنی داری را بر سرمایه گذاری داخلی بخش خصوصی داشته اند. متغیرهای آزادی اقتصادی و ثبات سیاسی نیز به عنوان برخی دیگر از متغیرهای تعدیل کننده فساد، تأثیر مثبت و معنی دار بر سرمایه گذاری داشته اند.

کلیدواژه ها: سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سرمایه گذاری داخلی بخش خصوصی، ادراک فساد، کنترل فساد، کشورهای در حال توسعه، مدل Panel-var.

طبقه بندی JEL: C23, F21, K4.

Email: m_khodaparast@ferdowsi.um.ac.ir

Email: kordi342@gmail.com

۱. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد (*نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

سرمایه‌گذاری به‌عنوان نیروی محرکه بسیار مهمی در رشد و توسعه اقتصادی برای تمامی کشورهای جهان به‌شمار می‌آید. تجمیع سرمایه و نرخ رشد به‌عنوان مهم‌ترین شاخص ارزیابی سیاست‌های اقتصادی و یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی به‌شمار می‌آید. به‌طوری‌که از دیدگاه اقتصاددانانی چون کینزین‌ها، سرمایه‌گذاری به‌عنوان نیروی محرکه اصلی رشد و توسعه جوامع در نظر گرفته شده است (شهنازی و قرگوز^۱، ۲۰۱۴: ۱۹). به‌دلیل وجود محدودیت‌های تأمین مالی و جذب سرمایه در کشورهای درحال توسعه، معمولاً کمبود سرمایه امری مهم در این کشورها به‌شمار می‌رود. بهینه‌سازی تخصیص سرمایه نیاز به شناسایی دقیق ساختار سرمایه‌گذاری و عوامل مؤثر بلندمدت و کوتاه‌مدت بر آن دارد و نیازمند بررسی عوامل اساسی تأثیرگذار بر جذب سرمایه، به‌ویژه عوامل ساختاری همچون فساد و حکمرانی است.

در این میان، مسأله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و ایجاد فضای امن برای جذب آن از جمله مباحث بسیار مهم مطرح شده در کشورهای درحال توسعه می‌باشد؛ زیرا تأمین سرمایه از مهم‌ترین عوامل و گام‌های ابتدایی جهت توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی است. از بین انواع مختلف جریان‌های سرمایه به کشورهای درحال توسعه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌دلیل برخورداری از خصوصیتی مانند مدیریت برتر و کارا، تکنولوژی پیشرفته، دستیابی آسان‌تر به بازارهای بین‌المللی و سرمایه فراوان و ارزان از اهمیت بیشتری برخوردار است (کریمی موعاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱). به‌علاوه، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به‌عنوان مؤثرترین روش برای پیشبرد تولید به حساب می‌آید. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نه تنها بخشی از تقاضای کل است، بلکه به‌عنوان منبع رشد و ایجاد فرصت‌های شغلی در آینده به حساب می‌آید. سال‌های زیادی کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی غربی سهم بزرگی را در دریافت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشتند؛ اما از دهه ۱۹۹۰ تغییرات قابل توجهی در ورود سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفته است. انجام اصلاحات اقتصادی، تحولات سیاست‌های تجاری و حکمرانی در کشورهای درحال توسعه منجر به سرعت بخشیدن در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این گروه کشورها شده است. در سال ۲۰۱۰ برای اولین بار اقتصادهای در حال گذار و توسعه بیش از نیمی از جریان‌های سرمایه‌گذاری خارجی را جذب نمودند (شکیب^۲، ۲۰۱۶: ۲۵۷).

در کشورهای درحال توسعه هم‌تراز ایران، به‌دلیل وابستگی شدید به درآمدهای نفتی، قیمت‌های نامتعادل، ریسک بالای سرمایه‌گذاری به علت نوسانات شدید ارز و تورم، سرمایه‌گذاری با مشکلات زیادی روبه‌رو است. لذا بخش خصوصی تمایل چندانی برای سرمایه‌گذاری در این کشورها را ندارد.

1. Shahnazi & Gharagoz
2. Shakib

به‌علاوه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تحت تأثیر عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. دولت‌ها نیز در این راستا از طریق کنترل عواملی چون فساد، ایجاد ثبات سیاسی، تضمین حقوق مالکیت و غیره نقش مهمی را در ایجاد فضایی با ثبات و در نتیجه جذب سرمایه‌های خارجی بر عهده دارند (اپافرا و ماسیو، ۲۰۱۷: ۳۸). نرخ فساد اداری یک عامل بسیار مهم و تأثیرگذار در سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود که شامل شیوع فساد در کشور، روابط مبتنی بر ارتباطات خانوادگی، استفاده از قدرت به نفع دوستان در میان اعضای دولتی و مدیران رده بالا و متوسط می‌باشد. در سال‌های اخیر موضوع فساد به دلایلی چون وجود فساد در سطوح بالا در کشورهای صنعتی، افزایش آگاهی از هزینه‌های فساد در سراسر جهان و نیز تغییرات سیاسی و اقتصادی کشورها مورد توجه بسیار قرار گرفته است (لاوال^۲، ۲۰۰۷: ۱).

فساد اغلب به‌عنوان پیامد محیط نهادی نامناسب تصور شده و به‌دلیل نقش آن بر فعالیت‌های اقتصادی، از اهمیت خاصی برخوردار است. اثرات فساد تا حد زیادی در ادبیات مختلف بررسی شده است و روابط متفاوتی مطرح شده است. تمامی مطالعات به این موضوع دست نیافته‌اند که فساد در همه کشورها منجر به کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. برخی مطالعات نشان داده‌اند که سطوح بالای فساد یک اثر بازدارنده بر سرمایه‌گذاری دارد (ویبر و بمیش^۳، ۲۰۰۴: ۲۱۲؛ کواری و کاروزه^۴، ۲۰۰۸: ۲۵؛ وو و هو^۵، ۲۰۰۹: ۲۳۶). درحالی‌که برخی نیز هیچ رابطه‌ای را میان فساد و سرمایه‌گذاری نیافته‌اند (مشیری و کیان پور، ۱۳۹۱: ۲۷). به‌علاوه برخی دیگر به این نتیجه دست یافتند که فساد می‌تواند تأثیر مثبتی بر سرمایه‌گذاری داشته باشد. چرا که می‌تواند منجر به تسهیل بیش از حد قوانین شود (آپارانا و کارتیکیا^۶، ۲۰۱۱: ۹۹۶). توضیح برای این ناسازگاری می‌تواند این باشد که تمامی سرمایه‌گذاران با یکدیگر برابر نیستند، لذا فساد به یک میزان آنها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و نیز انتخاب کشور موردنظر، از اهمیت بالایی در این نتایج برخوردار باشد. لذا انتخاب نوع کشورها و قیاس آن‌ها با یکدیگر، دارای اهمیت است.

در اغلب مطالعات صورت گرفته، تنها شاخصی که برای بررسی تأثیر فساد بر جذب سرمایه به‌کار رفته است، شاخص ادراک فساد می‌باشد. درحالی‌که مطالعات مختلفی نشان داده‌اند که در میان شاخص‌های حکمرانی خوب، شاخص کنترل فساد می‌تواند تأثیر بسزایی در جذب سرمایه داشته باشد (هاتف و کرباسی، ۱۳۹۲: ۳۸ و مهرآرا و اسدیان، ۱۳۸۸: ۱۷). از این‌رو، انتخاب متغیرهایی که به نوعی ترکیبات مختلف فساد را دربر گیرد و به فساد از جهات مختلف بنگرد، مهم می‌باشد.

1. Epaphra and Masswe
2. Lawal
3. Voyer and Beamish
4. Cuervo-Cazurra
5. Woo and Heo
6. Aparna and Kartikeya

با این توصیف، هدف تحقیق حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری با تأکید بر شاخص‌های ادراک فساد و کنترل فساد، به همراه برخی دیگر از متغیرهایی می‌باشد که به نوعی، سطح فساد در جامعه را نشان می‌دهند. همچنین، برخلاف اغلب مطالعات پیشین که تأثیر فساد را تنها بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مدنظر قرار داده‌اند، مطالعه حاضر به بررسی تأثیر فساد بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی پرداخته است و مقایسه‌ای بین این دو انجام می‌دهد. ویژگی دیگر این تحقیق، در انتخاب نمونه مورد بررسی است. این مسأله در کشورهای درحال توسعه هم‌تراز با ایران (کشورهای درحال توسعه مشابه از نظر تولید ناخالص داخلی و از نظر سطح توسعه انسانی) مورد بررسی قرار گرفته است. لذا سؤال اصلی تحقیق این است که "آیا رابطه معناداری میان شاخص‌های کنترل و ادراک فساد و نیز سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) وجود دارد؟" برای رسیدن به این منظور، در ادامه به بررسی ادبیات موضوع پرداخته می‌شود. سپس معرفی روش تحقیق بیان شده و یافته‌های تجربی مدل موردنظر مطرح می‌گردند. در انتها، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری موضوع پرداخته می‌شود.

۲. مروری بر ادبیات و مطالعات پیشین

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش مهمی در پویایی رشد کشورهای درحال توسعه ایفا می‌کند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند حداقل سه شکاف توسعه را پر کند: نخست، "شکاف سرمایه‌گذاری" با تأمین سرمایه جهت سرمایه‌گذاری. دوم، "شکاف ارزش خارجی"^۱ با ارائه ارزش خارجی از طریق سرمایه‌گذاری و درآمد صادرات و در نهایت "مالیات بر شکاف درآمدی"^۲ با تولید درآمدهای مالیاتی از طریق فعالیت‌های اقتصادی. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همچنین می‌تواند تسهیل انتقال تکنولوژی و مهارت‌های مدیریتی، افزایش دسترسی به بازار جهانی برای کالاهای صادراتی و ... را به وجود آورد. در سال ۲۰۱۲، کشورهای درحال توسعه بیش از نیمی از جریان جهانی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (۷۰۳ میلیارد دلار) را دریافت کرده‌اند و از میان ۲۰ کشور دریافت‌کننده، ۹ کشور جزء کشورهای درحال توسعه بودند (قاضی^۳، ۲۰۱۴: ۲۳۲).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند با افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری، موجب ایجاد یک اقتصاد رقابتی‌تر در بازار جهانی شده و در نتیجه رشد یک کشور را افزایش دهد. در کشور ایران نیز با این که حجم عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها توسط دولت انجام می‌شود؛ اما با رویکرد افزایش حضور بخش خصوصی در اقتصاد که در سال‌های اخیر اعمال شده است، اهمیت سرمایه‌گذاری بخش

1. foreign exchange gap
2. tax revenue gap
3. Rahim M. Quazi

خصوصی و در کنار آن جذب سرمایه‌گذاری خارجی بیش از پیش اهمیت یافته است. به‌منظور جذب سرمایه‌های خارجی و ایجاد زمینه برای بهبود سرمایه‌گذاری داخلی، به شرایط خاصی نیاز است که امروزه از آن به‌عنوان فضای کسب‌وکار یاد می‌شود. فضای سرمایه‌گذاری داخلی و همچنین مجموعه مزیت نسبی محصولات بین‌المللی، جذابیت یک کشور را برای سرمایه‌گذاری خارجی در سطح بازارهای جهانی تعیین می‌کنند. هدف اولیه و اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایجاد سود از طریق سرمایه‌گذاری است و هر عاملی که باعث عدم‌اطمینان بالاتر و ریسک بیشتر سرمایه‌گذاری می‌شود، الزاماً باعث کاهش سرمایه‌گذاری خواهد شد. از آن‌جا که فضای سرمایه‌گذاری برآیند عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فناوری است، بنابراین ملاحظات صرفاً اقتصادی تنها عامل مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی نیست. ثبات سیاسی کشور میزبان، فضای اقتصاد کلان و توسعه نهادی عوامل مهمی هستند که بر تصمیم سرمایه‌گذاری خارجی تأثیرگذار هستند.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه در تکمیل پس‌اندازهای داخلی‌شان از طریق سرمایه در دسترس خارج کشور کمک می‌کند. این عوامل بسیار حائز اهمیت است چرا که بازارهای سرمایه داخلی در این کشورها معمولاً برای تأمین مالی بخشی از شرکت‌ها ناکافی هستند (آدیو، ۲۰۰۹: ۳۱). مطالعات تجربی چشمگیری، عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. اغلب مطالعات تجربی محیط اقتصاد داخلی، اندازه بازار، زیرساخت‌ها، سرمایه انسانی، باز بودن اقتصاد، بازگشت سرمایه، ثبات سیاسی و ... در میان عوامل کلیدی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری داخلی شناسایی کرده‌اند. بسیاری از مطالعات اخیر بر تأثیر فساد بر سرمایه‌گذاری متمرکز شده‌اند. از لحاظ تئوری، فساد می‌تواند به‌صورت افزایش عدم‌اطمینان و هزینه‌های معاملاتی که مانع جذب سرمایه می‌شود بروز کند.

شفافیت بین‌المللی فساد را سوءاستفاده از قدرت واگذار شده برای کسب منافع خصوصی تعریف می‌کند. علاوه بر این، سازمان شفافیت بین‌المللی نشان می‌دهد که فساد شامل چهار سطح: فساد سیاسی، فساد اداری، فساد قضایی و فساد مالی می‌باشد که پیامد آن، عملکرد ضعیف اقتصادی، به‌ویژه در اقتصادهای در حال توسعه است. فساد در سراسر جهان در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته به‌طور یکسان وجود دارد که حجم و کارایی سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد و بسیاری از اقتصاددانان مانند آلمو^۲ (۲۰۱۲)، وو^۳ (۲۰۱۰) و آپارانا و کارتیکیا^۴ (۲۰۱۱) بیان کرده‌اند که سطح بالای فساد مانع جریان سرمایه‌گذاری است.

-
1. Adeoye
 2. Alemu
 3. Woo
 4. Aparna and Kartikeya

مدل‌سازی فساد به دلیل پیچیدگی و ماهیت چندبعدی آن کار چندان ساده‌ای نیست. بسیاری از مطالعاتی که در این زمینه وجود دارد، داده‌های مورد نیاز برای فساد را از مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی چون TI^۱، WB^۲ و ICDGE^۳ تأمین کرده‌اند. لازم به ذکر است که داده‌های مورد استفاده برای فساد در این مطالعات، عمدتاً ترکیبی از شاخص‌های اقتصادی، سیاسی و حقوقی است که این داده‌ها فقط به دولت محدود نمی‌شود. براساس نظریه کامپوس^۴ و همکاران (۲۰۱۰) فساد می‌تواند اثرات مثبت و منفی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته باشد. به لحاظ نظری، دو نقطه مختلف از نظر توضیح رابطه بین فساد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد. یک نقطه نظر نشان می‌دهد که در کوتاه‌مدت، هزینه‌های سرمایه‌گذاری یک شرکت فساد را افزایش می‌دهد. زمانی که شرکت‌ها مجبور به پرداخت رشوه شوند و همچنین زمانی که آن‌ها به فعالیت‌های رانت‌خواری مشغول هستند. علاوه بر این، فساد بهره‌وری نهادهای عمومی را کاهش می‌دهد که به نوبه خود باعث کاهش جذابیت مکانی کشور می‌گردد (بویکو^۵ و همکاران، ۱۹۹۳: ۱۸۹؛ لامسدروف^۶، ۲۰۰۳: ۲۴۱ و راوی^۷، ۲۰۱۵: ۱۰۲). در مقابل، نقطه‌نظرات نشان می‌دهد که در کشورهای بروکراتیک، فساد می‌تواند به شرکت‌های خارجی در بالا بردن سرعت معاملات از قبیل مجوز صادرات، پروانه و حتی به دست آوردن قراردادهای دولتی از طریق پرداخت رشوه به مقامات کمک کند (لی^۸، ۱۳۸۵: ۷۷۷؛ باردهن^۹، ۱۹۹۷: ۱۳۴۳).

فساد تنها محدود به بخش دولتی نیست، بلکه در بسیاری از کشورها بخش خصوصی نیز در فساد نقش دارد. شواهد مربوط به فساد در سیستم‌های سازمانی در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که فساد، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را به شدت کاهش می‌دهد. بسیاری از کشورهایی که از فساد رنج می‌برند، انگیزه مالیاتی قابل توجهی برای فریب دادن شرکت‌های چندملیتی دارند. آن‌ها می‌توانند همان میزان سرمایه‌گذاری بین‌المللی را از طریق انگیزه‌های مالیاتی کنترل فساد جذب کنند (شهنازی و فرگوز، ۲۰۱۴: ۲۸). فساد عدالت و توسعه اقتصادی را ضعیف می‌کند و اعتماد عمومی به دولت را از بین می‌برد و تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه ممکن است منجر به کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و همچنین باعث کارآمدی کمتر پروژه‌ها شود (اپافرا و ماسو، ۲۰۱۷: ۵۱).

1. Transparency International
2. World Bank
3. International Country Risk Guide
4. Campos et al
5. Boycko et al
6. Lambsdorff
7. Ravi
8. Lui
9. Bardhan

مطالعات تجربی مختلفی برای بررسی تأثیر فساد بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفته است. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نتایج متناقضی را نشان می‌دهد، به طوری که برخی مطالعات رابطه مثبت بین فساد و FDI را تأیید کرده‌اند.

مهرآرا و اسدیان (۱۳۸۸) به بررسی مقاله تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای ۱۰ کشور با درآمد متوسط در بازه زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۵ پرداخته‌اند. آن‌ها با تفکیک شاخص حکمرانی خوب به اجزای آن یعنی حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد نشان دادند که در میان این مؤلفه‌ها، فساد مهم‌ترین عامل بازدارنده سرمایه‌گذاری خارجی است.

کیان‌پور و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی مقاله‌ی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت بین کشوری (۱۹۸۰-۲۰۰۷) پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای هزینه‌های دولت، فساد و نرخ تورم تأثیر معناداری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نداشته‌اند.

موریسی^۱ و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله خود تحت عنوان حاکمیت، سرمایه‌گذاری خصوصی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه با استفاده از داده‌های سالانه کل برای ۱۰ کشور در حال توسعه در قلمرو زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۹ به بررسی رابطه بین شاخص‌های حکمرانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که میزان تأثیر مستقیم فساد بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سایر شاخص‌های حکمرانی که شامل ثبات سیاسی، عدم خشونت، کیفیت نظارتی و حاکمیت قانون است بیشتر می‌باشد.

شهنازی^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله‌ای به بررسی اثر فساد بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. آنها با استفاده از داده‌های پانل برای ۳۲ کشور در حال توسعه در یک دوره ۱۱ ساله (۲۰۰۰-۲۰۱۰) از روش گشتاوری تعمیم (GMM) استفاده کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که شاخص ادراک فساد اثر مثبت بر سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی دارد. متغیر تورم و نرخ بهره اثر منفی و معناداری بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد.

شکیب^۳ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فساد با استفاده از روش پانل دیتا به مطالعه ۴۸ کشور در بازه زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۴ پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که رابطه منفی بین فساد بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد. متغیرهای کنترل دیگر از جمله تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ رشد جمعیت، بازبودن تجارت، دموکراسی و قانون اثر مثبت و قابل توجهی بر سطح فساد دارند.

1. Morrissey

2. Shahnazi

3. Shakib

اپافرا و ماسیو (۲۰۱۷) با هدف بررسی تأثیر فساد بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ترکیبی از روش‌های اقتصادسنجی براساس داده‌های پانل از ۵ کشور شرق آفریقا با طول دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۵ را مدنظر قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد زمانی که تولید ناخالص داخلی سرانه از رگرسیون حذف می‌شود، سطح فساد در کشور میزبان اثر منفی بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. نکات حائز اهمیت در بررسی مطالعات تجربی این حوزه را می‌توان در سه مورد خلاصه کرد. نخست، عدم لحاظ تأثیر متغیرهای فساد، به‌طور همزمان بر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی؛ دوم، در اغلب موارد استفاده از تک شاخص فساد (شاخص ادراک فساد یا شاخص کنترل فساد) به‌عنوان سطحی از فساد در کشورها که با توجه به وجه متفاوت و مفهوم متمایز این دو شاخص، عملاً ذکر یک شاخص خاص، وجه دیگر را با نقصان مواجه می‌سازد. سوم، عدم تمرکز خاص بر انتخاب نمونه‌ی کشورها (البته در مطالعات بین‌کشوری)، به‌طوری‌که توجه چندانی به روش انتخاب کشورها با سطحی هم‌تراز، هم از نظر درآمد سرانه و هم از نظر سطح توسعه انسانی، نشده است. با این توضیح، مطالعه حاضر در تمامی سه مورد فوق، متمایز از مطالعات تجربی این حوزه است.

۳. روش پژوهش

در مطالعه حاضر با توجه به مبانی نظری و مطالعات گذشته، برای دستیابی به اطلاعاتی در خصوص تأثیر فساد بر میزان جذب سرمایه در کشورهای درحال توسعه (اعم از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی (DP))، از متغیرهای ادراک فساد (CPI)، کنترل فساد (COC)، ثبات سیاسی (PS)، نرخ تورم (IN)، تولید ناخالص داخلی سرانه (GDPPC) و آزادی اقتصادی (EF) استفاده شده است. توضیحات ذیل، استدلالی بر انتخاب متغیرهای منتخب در مطالعه می‌باشد.

ازجمله شاخص‌هایی که معمولاً به‌صورت بسیار گسترده در اندازه‌گیری فساد به‌کار برده می‌شوند، عبارت از شاخص ادراک فساد و شاخص کنترل فساد بانک جهانی می‌باشند. همچنین، نرخ تورم، اندازه بازار، آزادی اقتصادی نیز از شاخص‌هایی هستند که بر سرمایه‌گذاری اثرگذار بوده و به نوعی پدیدآورنده فساد نیز می‌باشند (بذریاچ و ترابی، ۱۹۸۳: ۶؛ مشیری و کیانپور، ۱۳۹۱: ۱۲؛ رزمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۸۴). همچنین، از میان شاخص‌های حکمرانی خوب، دو شاخصی که بیشترین تأثیر را بر سرمایه‌گذاری داشته‌اند معمولاً ثبات سیاسی و کنترل فساد بوده‌اند (موریسی و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۴۱).

مطابق مبانی نظری و مطالعات تجربی، با افزایش نرخ تورم، میزان رقابت‌پذیری کاهش یافته و هزینه‌های تولید افزایش می‌یابد. به‌علاوه، تورم منجر به افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش متوسط سررسید وام‌های تجاری و اختلال در اطلاعات منتقل شده به‌وسیله قیمت‌ها می‌شود.

همچنین تورم نشانه بی‌ثباتی و عدم کنترل سیاست‌های کلان است که می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاری خارجی اثر منفی بگذارد. لذا تمایل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در کشور کاهش می‌یابد.

هرچه اندازه بازار بزرگ‌تر باشد، سطح تقاضا و همچنین سطح دسترسی به بازار نیز بیشتر می‌شود. براساس نظریه اندازه بازار رابطه مثبتی بین تولید ناخالص داخلی سرانه و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد و افزایش اندازه بازار باعث افزایش انگیزه برای سرمایه‌گذاری خواهد شد (مهرآرا و اسدیان، ۱۳۸۸: ۱۷). تقاضای داخلی در کشورهای میزبان می‌تواند نقش مهمی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته باشد.

آزادی اقتصادی به‌عنوان ترکیبی از متغیرهای آزادی کسب و کار، آزادی تجاری، آزادی مالیاتی، اندازه دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی تأمین مالی، حقوق مالکیت فکری، رهایی از فساد اقتصادی و آزادی نیروی کار (بیگی و پناهی، ۱۳۸۹: ۲۸) سهولت در انتقال سرمایه و تجارت در یک کشور را نشان می‌دهد. مطابق ادبیات نظری، بهبود این عوامل یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه خواهد بود. شاخص‌های سنجش آزادی اقتصادی، زمینه‌ساز فساد بوده و لذا تأثیر قابل توجهی بر سرمایه‌گذاری خارجی خواهد داشت. به‌عنوان مثال، نظام مالیاتی (آزادی مالیاتی)، اندازه دولت، سیستم پولی و حقوق مالکیت فکری همگی بر فساد اثرگذار هستند و اختلال در ساز و کار آن‌ها، عملاً فساد را متأثر می‌سازد. از سوی دیگر، این متغیرها بر سرمایه‌گذاری خارجی نیز اثرگذار بوده و لذا آزادی اقتصادی را می‌توان به‌عنوان شاخص ترکیبی از برخی اجزای فساد دانست که بررسی تأثیر آن بر میزان جذب سرمایه خارجی، در مطالعات مختلفی همچون قاضی^۱ و همکاران (۲۰۱۴) و کاپوریا (۲۰۰۷) انجام گرفته است.

ثبات سیاسی (GF) عاملی مهم دیگری در جذب سرمایه خارجی برای کشور میزبان است. بی‌ثباتی سیاسی/عدم اطمینان معمولاً شرایط کسب و کار نامطلوبی را ایجاد می‌کند که به‌طور جدی اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را برای سرمایه‌گذاری از بین می‌برد (قاضی، ۲۰۱۴: ۲۳۲). برای انجام سرمایه‌گذاری، وجود فضایی باثبات، به‌ویژه در ساختار سیاسی و رفتار مقامات سیاسی، اهمیت بسیاری دارد.

کنترل فساد^۲ (COC) میزان استفاده مقام دولتی برای منافع شخصی از جمله فساد خرد و کلان را اندازه‌گیری می‌کند (فاضلی و جلیلی، ۱۳۹۱: ۳۵). شناسایی فساد اداری و میزان استفاده مقامات دولتی از جایگاه خود برای منافع شخصی، یکی دیگر از اجزای فساد در جامعه است. شاخص ادراک فساد^۳ (CPI) که تقاضای فساد را نشان می‌دهد شاخص ترکیبی است که به‌وسیله اندازه‌گیری‌های گوناگون

1. Quazi
2. Control of corruption
3. Corruption perception index

میدانی و اسنادی به دست می‌آید و مبتنی بر ادراک و نگرش تعدادی از تجار، تحلیل‌گران اقتصادی، سیاست‌مداران و مدیران بخش دولتی است. دوره زمانی اطلاعات استفاده شده برای محاسبه شاخص معمولاً دو سال است. براساس اعلام سازمان شفافیت بین‌المللی (CPI)، شاخصی برای بیان فساد مالی و فقط رشوه را اندازه‌گیری می‌کند (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۵). عدد این شاخص تا سال ۲۰۱۱ بین ۰ و ۱۰ و از سال ۲۰۱۲ به بعد ۰ تا ۱۰۰ می‌باشد. کشورهای با کمترین نمره دارای بالاترین درجه فساد و بالعکس کشورهای با بالاترین نمره دارای کمترین درجه فساد می‌باشند (بدرپاچ و ترابی، ۱۹۸۳: ۱۰). به دلیل تمایز این شاخص با شاخص کنترل فساد و سایر متغیرهای مدل، در کنار سایر متغیرها وارد مدل می‌شود. این شاخص متمرکز بر میزان رشوه گرفتن کارکنان دولتی است، شاخص کنترل فساد میزان استفاده شخصی مقامات از جایگاه خود را نشان می‌دهد و سایر متغیرها نیز هر کدام به بخش‌های دیگری از فساد در کشورها متمرکز هستند.

در این مطالعه، میزان اثرگذاری شاخص‌های ادراک فساد، کنترل فساد و ثبات سیاسی به‌عنوان بخشی از اجزا تشکیل‌دهنده فساد در کنار یکدیگر وارد مدل شده و تأثیر آن‌ها به‌طور همزمان بر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. شیوه انتخاب کشورها در این مطالعه به شرح ذیل می‌باشد. ابتدا به دلیل تناسب سطح توسعه کشورها و قرارگیری کشور ایران در میان کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا، این کشورها (کشورهای با درآمد متوسط و درآمد متوسط رو به بالا) در نظر گرفته شدند (۸۴ کشور). از سوی دیگر، به دلیل تأثیری که سرمایه‌گذاری (اعم از خارجی و داخلی) بر سطح تولید و رشد اقتصادی کشورها می‌گذارد، سرانه تولید ناخالص داخلی بدون نفت برای این کشورها تعیین شده و آن دسته از کشورهایی که تفاوت‌های چشمگیری از تولید ناخالص داخلی سرانه ایران داشته‌اند، کنار گذاشته شدند. دلیل این امر این بوده است که مقایسه رتبه شاخص توسعه انسانی در سال‌های مختلف به‌ویژه در مورد کشورهای نفتی نشان می‌دهد که افزایش این رتبه نمی‌تواند به‌عنوان بهبود در کیفیت زندگی شهروندان تلقی شود؛ زیرا شاخص توسعه انسانی از میانگین سه معیار امید به زندگی، تحصیلات و درآمد سرانه به دست می‌آید و درآمد سرانه خود یکی از اجزا شاخص توسعه انسانی است. افزایش قیمت نفت موجب افزایش درآمد سرانه شده و این افزایش موجب بالا رفتن شاخص توسعه انسانی شده و رتبه شاخص توسعه انسانی را بالا می‌برد، بدون این‌که لزوماً تغییر عمده‌ای در امید به زندگی و پیشرفت آموزشی حاصل شده باشد. لذا می‌توان گفت تأکید بر بهبود رتبه شاخص توسعه انسانی در طی یک دوره زمانی، به‌ویژه در مورد کشورهای نفتی می‌تواند بسیار گمراه‌کننده باشد. در واقع آنچه باید مورد توجه قرار گیرد و در سیاست‌گذاری استفاده شود شکاف بین رتبه درآمد سرانه و رتبه شاخص توسعه انسانی و یا لحاظ نمودن تولید ناخالص داخلی سرانه بدون نفت است (بیگی و پناهی، ۱۳۸۹: ۳۳). در گام دوم با در نظر گرفتن کشورهایی که تناسب بیشتری با تولید ناخالص داخلی سرانه بدون نفت ایران داشته‌اند، در مجموع ۳۶ کشور از ۸۴

کشور انتخاب شدند. از میان این ۳۶ کشور، تعداد ۶ کشور به دلیل نبود داده‌های اصلی نظیر کنترل فساد و سرمایه‌گذاری خارجی از میان کشورها حذف گردیده و در نهایت ۳۰ کشور در حال توسعه شامل آلبانی، الجزیره، ارمنستان، بلاروس، کیپ‌ورد^۱، چین، کلمبیا، جمهوری دمنیکن، اکوادور، مصر، السالوادور، گرجستان، گویان، گواتمالا، اردن، جامائیکا، ایران، عراق، لیبی، مقدونیه، مغولستان، موراگو، نامیبیا، پاراگوئه، پرو، صربستان، سریلانکا، تایلند، تونس و اکراین طی دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۵ به‌عنوان نمونه مورد بررسی در نظر گرفته شده است. داده‌های کلان اقتصادی و داده‌های حکمرانی دولت از بانک جهانی گردآوری گردیده، داده آزادی اقتصادی از بنیاد هریتیج و داده ادراک فساد از سازمان شفافیت بین‌المللی^۲ استخراج شده است. بازه زمانی نیز طولانی‌ترین بازه زمانی می‌باشد که داده‌های مربوطه، در اختیار می‌گذارد. در این مطالعه با استفاده از روش اقتصادسنجی panel-var (p-var) و نرم‌افزار 7 EViews اثرات متقابل فساد و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است.

بر اساس روش خودرگرسیون برداری، هنگامی که رفتار چند متغیر مورد بررسی قرار می‌گیرد، لازم است به ارتباط متقابل این متغیرها در قالب یک الگوی سیستم معادله‌های همزمان توجه شود. اگر معادله‌های این الگو شامل وقفه‌های متغیرها نیز باشد، در اصطلاح آن را الگوی سیستم معادله‌های همزمان پویا^{۱۱} می‌نامند. در صورتی که مشکل هم خطی بین متغیرهای مدل وجود نداشته باشد، از این مدل‌ها استفاده می‌شود، چرا که در صورت وجود هم خطی بین متغیرها، مقداری از اطلاعات حذف می‌شود. قبل از برآورد چنین الگویی لازم است اطمینان حاصل شود که معادله‌های این سیستم شناسا هستند. آنچه که برای محقق کردن شرط شناسایی معمول است، آن است که فرض شود تعدادی از متغیرهای از پیش تعیین شده تنها در بعضی از معادلات الگو وارد می‌شوند. به گفته سیمز (۱۹۹۹) اگر واقعاً بین متغیرهای الگو همزمانی وجود داشته باشد، باید همه متغیرها را به یک چشم نگریت و پیش قضاوت در مورد این که کدام درون‌زا و کدام برون‌زاست، صحیح نیست. در همین راستاست که وی الگوی خودتوضیح برداری (VAR) را ارائه نمود. روش کار بسیار ساده است و در عین حال محقق را درگیر تمیز بین متغیرهای درون‌زا و برون‌زای مدل نمی‌کند. زیرا به استثنای عرض از مبدأ، متغیر روند و متغیرهای مجازی که گاهی اوقات وارد الگو می‌شوند، همه متغیرها درون‌زا هستند. به هر حال در تخمین مدل‌های خودرگرسیون برداری در داده‌های تابلویی باید شیوه تخمین مدل مورد توجه قرار گیرد.

1. Capoverde

2. Heritage Foundation

۴. یافته‌های پژوهش

قبل از برآورد مدل لازم است که مانایی متغیرها مورد بررسی قرار گیرد و پس از اطمینان از مانایی، به برآورد مدل پرداخته شود. بدین منظور از آزمون ریشه واحد ایم-پساران و شیم استفاده شده است و نتایج مبنی بر مانایی متغیرها در جدول ذیل آمده است. بدین ترتیب که متغیر تورم در سطح و با عرض از مبدأ مانا بوده است. در مقابل، متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تولید ناخالص داخلی سرانه (به‌عنوان اندازه بازار) و ثبات سیاسی با یک بار تفاضل‌گیری و با عرض از مبدأ مانا می‌باشند. سایر متغیرها از جمله کنترل فساد، ادراک فساد، سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی و آزادی اقتصادی با دو بار تفاضل‌گیری و عرض از مبدأ مانا شده‌اند.

جدول ۱: نتایج آزمون ریشه واحد IPS برای متغیرهای تحقیق
(Im, Pesaran and Shin W-stat)

2st DIFFERENCE		1st DIFFERENCE		LEVEL		متغیرها
Intercept	Trend and Intercept	Intercept	Trend and Intercept	Intercept	Trend and Intercept	
۰	۰,۱۰۹۳	۰,۰۱۱۹	۰,۳۴۴۷	۰,۵۴۲۱	۰,۷۹۳۵	D(COC,2)
۰,۰۰۰۱	۰,۱۰۱۵	۰,۰۲۳۵	۰,۶۶۷۴	۰,۷۳۳۱	۰,۷۷۶۵	D(CPI,2)
۰	۰,۲۸۸۵	۰,۱۳۷۹	۰,۴۵۵۷	۰,۸۷۸۹	۰,۸۳۹۹	D(DP,2)
۰	۰,۲۳۶۳	۰,۰۰۹۲	۰,۴۶۸۴	۰,۶۵۳۱	۰,۷۹۴۷	D(EF,2)
-	-	-	-	۰,۰۰۰۱	۰,۰۰۰۲	IN
-	-	۰,۰۰۰۲	۰,۲۸۴۷	۰,۰۵۵۸	۰,۵۹۷۴	D(LFDI)
-	-	۰	۰,۰۱۹۰	۰,۱۲۳۷	۰,۰۳۸۷	D(LGDPPC)
-	-	۰,۰۰۰۲	۰,۱۱۷۷	۰,۹۶۳۸	۰,۵۷۹۳	D(PS)

منبع: یافته‌های تحقیق

همچنین آزمون هم‌انباشتگی برای بررسی ارتباط بلندمدت بین متغیرهای مدل تأیید شد که نتایج آزمون در جدول ذیل آمده است. با توجه به نتایج آزمون هم‌انباشتگی انگل گرنجر، متغیرهای مدل با استفاده از آماره ADF معنادار هستند.

جدول ۲: نتایج آزمون هم‌انباشتگی انگل گرنجر

سطح معناداری	آماره	آزمون
۰,۰۰۰۰	-۷,۵۵۳۳	انگل گرنجر

منبع: یافته‌های تحقیق

جهت رسیدن به یک مدل بهینه که برازش مناسبی از متغیرهای مدل را ارائه دهد، دانش نسبت به وقفه بهینه مدل و متغیرهای موجود در آن الزامی است. جهت تعیین وقفه بهینه مدل اقتصادسنجی کلیه متغیرها در قالب یک معادله PVAR برازش می‌شود. به‌منظور تعیین تعداد بهینه وقفه در برآورد معادلات از یکی از معیارهای مختلف اطلاعاتی که از لگاریتم تابع راست‌نمایی محاسبه می‌گردد،

استفاده می‌شود. در جدول ذیل نتایج مربوط به آزمون‌های تعیین وقفه بهینه مدل ارائه شده است؛ که با توجه به محدودیت داده‌ها، معیار شوارتز مناسب‌ترین معیار در تعیین وقفه بهینه می‌باشد که بر اساس آن، یک وقفه، برای مدل به‌دست می‌آید.

جدول ۳: نتایج معیارهای آکائیک و شوارتز در تعیین وقفه بهینه‌ی مدل

وقفه	Log L	LR	FPE	AIC	SC	HQ
۰	-۱۸۴۷	NA	۰.۹+۵۶,۳۷	*۴۵,۲۶	*۴۵,۴۹	۴۵,۳۵
۱	-۸۵۵	۱۷۶۷	۰.۹۲۲۳	۲۳,۶۴	۲۴,۷۲	۲۳,۴۶
۲	-۷۳۷	۱۸۶	۰.۲۵۸۷	۲۱,۳۰	۲۵,۲۹	۲۲,۹۰
۳	-۶۵۲	۱۱۹	۰.۱۷۱۱	۲۰,۷۷	۲۶,۶۴	۲۳,۱۳
۴	-۵۵۹	۱۱۱	۰.۱۰۶۳	۲۰,۰۷	۲۷,۸۲	۲۳,۱۸
۵	-۴۴۸	۱۱۰	۰.۰۵۰۸	۱۸,۹۳	۲۸,۵۶	۲۲,۸۰
۶	-۳۷۳	۶۱	۰.۰۳۵۹	۱۶,۷۷	۳۰,۱۵	۲۲,۱۴
۷	-۳۹	*۸۶	۰.۰۱۱۲	۱۳,۶۴	۲۸,۹۰	۱۹,۷۷
۸	-۳۹	۸۰	*۰.۰۱۱۲	۱۳,۶۴	۲۸,۹۰	*۱۹,۷۷

علامت * نشان‌دهنده وقفه بهینه مدل است.

منبع: یافته‌های تحقیق

پس از انجام آزمون‌های ریشه واحد لازم است که آزمون‌های تشخیصی مربوطه برای تعیین نوع مدل تخمینی انجام شود برای این کار از آزمون F استفاده می‌شود که فرض صفر آن مبتنی بر همگن بودن مقاطع است و فرض مقابل آن مبتنی بر غیرهمگن بودن مقاطع می‌باشد. حال اگر فرض صفر در این آزمون پذیرفته شود، از روش تلفیقی برای برآورد مدل استفاده خواهد شد و در غیر این صورت از روش پانل دیتا استفاده می‌شود. در این جا سطح معناداری به‌دست آمده کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد. از این رو، فرض صفر رد می‌شود و بنابراین باید از پانل دیتا استفاده کرد.

جدول ۴: نتایج آزمون اف لیمر

سطح معناداری	آماره	آزمون
۰,۰۰۰۰	۱۹۱,۸۴	اف لیمر

منبع: یافته‌های تحقیق

پس از این که مشخص شد ناهمگنی در مقاطع وجود دارد و تفاوت‌های فردی قابل لحاظ کردن است و روش داده‌های ترکیبی برای برآورد مناسب است، باید مشخص شود که خطای تخمین، ناشی از تغییر در مقاطع است یا این که در طی زمان رخ داده است. در نحوه در نظر گرفتن چنین خطاهایی با دو اثر ثابت و اثر تصادفی مواجه هستیم. از آزمون هاسمن برای مشخص شدن اثر ثابت و تصادفی استفاده می‌شود.

جدول ۵: نتایج آزمون هاسمن

سطح معناداری	آماره	آزمون
۰,۰۰۰۰	۵۴/۸۷	هاسمن

منبع: یافته‌های تحقیق

آزمون هاسمن با استفاده از توزیع آماری χ^2 دو انجام می‌شود. با توجه به این که سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد، پس فرضیه H_0 مبنی بر وجود اثرات تصادفی رد و فرضیه مقابل مبنی بر وجود اثرات ثابت تأیید می‌شود.

۵. نتایج و بحث

جدول بعدی، نتایج مدل تخمین زده شده به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی، ادراک فساد، کنترل فساد و سایر متغیرها یعنی ثبات سیاسی، اندازه بازار، تورم و آزادی اقتصادی را نشان می‌دهد.

جدول ۶: نتایج حاصل از تخمین الگو به روش خودرگرسیون برداری
(تأثیر متغیرها بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی)

	COC	CPI	DP	EF	IN	LFDI	LGDPPC	PS
	۰,۰۲۷۷۲	۰,۳۰۶۸	۰,۵۳۲۷	۰,۵۳۲۷	۰,۵۲۵	۰,۴۹۰۵	۰,۰۰۰۴	۰,۰۰۴۸
LFDI(-۱)	(۰,۰۵۱)	(۰,۲۴۶)	(۰,۳۵۱)	(۰,۱۲۱)	(۰,۵۲۶)	(۰,۱۸۵)	(۰,۰۰۵)	(۰,۰۱۶)
	[۱,۵۳]	[۱,۲۴]	[۱,۵۱]	[۲,۰۶]	[۱,۰۱]	[۲,۶۵]	[۱,۶۷]	[۱,۸۹]

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که مشاهده می‌شود، متغیر ادراک فساد با یک وقفه تأثیر معناداری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ندارد. مطالعاتی مانند مشیری و کیان‌پور (۱۳۹۱)، هریسون (۲۰۱۰) و وادنز (۲۰۱۴) نیز رابطه‌ای بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فساد پیدا نکرده‌اند. بی‌معنی بودن اثر فساد در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به این معنی است که برخی کشورها با وجود فساد بالا، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بالایی نیز جذب کرده‌اند. همچنین، نرخ تورم نیز با یک وقفه اثر معنی‌داری بر FDI نداشته است. این نتیجه با یافته‌های آسیودا (۲۰۰۲) و مشیری و کیان‌پور (۱۳۹۱) نیز سازگار است. دلیل این نتایج (بی‌معنی بودن ادراک فساد و نرخ تورم) می‌تواند به این موضوع برگردد که در صورت پوشش دادن ناطمینانی‌های ناشی از وجود فساد و تورم به‌وسیله‌ی نرخ بازگشت سرمایه، سرمایه‌گذاران خارجی نباید نگران سرمایه‌گذاری‌های خود در کشورهایی باشند که از سیستم سیاسی و اقتصادی پایداری برخوردار نبوده یا دارای تورم بالا هستند. به‌عبارت‌دیگر آنچه برای یک سرمایه‌گذار اهمیت دارد، مثبت و بالا بودن نرخ بازگشت خالص سرمایه است که به‌صورت تفاوت نرخ بازگشت اسمی سرمایه و نرخ‌های زیان ناشی از فساد و تورم تعیین می‌شود (مشیری و کیان‌پور، ۱۳۹۱: ۲۵).

اثر شاخص‌های کنترل فساد، ثبات سیاسی، آزادی اقتصادی، سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی و اندازه بازار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مثبت و معنادار است. معمولاً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی زمانی که فساد کنترل می‌شود افزایش می‌یابد. این نتیجه، نتایج بسیاری از مطالعاتی را که رابطه منفی میان فساد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را نشان داده‌اند تأیید می‌کند. همچنین، سرمایه‌گذاران خارجی معمولاً ترجیح می‌دهند در اقتصادهایی سرمایه‌گذاری کنند که از ثبات سیاسی و اجتماعی برخوردار باشند. ثبات سیاسی در مقابل سایر شاخص‌های حکومتی از طرق مختلف بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیرگذار است و از آن‌جا که فساد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، دارای اهمیت خاص است. به‌ویژه، به نظر می‌رسد که ثبات سیاسی منجر به جذب بالاترین سطح FDI با بیشترین تأثیر بر سرمایه‌گذاری کل می‌شود. تا زمانی که ثبات سیاسی در کشوری برقرار نباشد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و یا رفت‌وآمدها برای این سرمایه‌گذاری به هر کشوری مثبت و نتیجه‌بخش نخواهد بود. اغلب سرمایه‌گذاران خارجی ترجیح می‌دهند در کشوری سرمایه‌گذاری کنند که سود آن‌ها تضمین شده بوده و کمترین ریسک سرمایه‌گذاری را داشته باشند.

نتایج نشان داد که آزادی اقتصادی سبب افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود؛ زیرا اقتصادهایی که از آزادی بیشتری برخوردار هستند از پتانسیل تخصیص کاراترین منابع و رفاه اقتصادی بیشتری نیز برخوردار می‌باشند. همچنین با ارتقا شاخص آزادی اقتصادی از روش‌هایی مانند کاهش سهم تصدی‌گری دولت، احترام به حقوق مالکیت، تضمین قراردادهای مدیریت صحیح درآمد ارزی و وضع مقررات شفاف، میزان سرمایه‌گذاری خارجی افزایش می‌یابد. به بیانی دیگر، نبود آزادی اقتصادی می‌تواند توانایی شرکت‌ها برای جذب تکنولوژی‌های جدید و کشورهای توسعه‌یافته را افزایش دهد. به‌علاوه، آزادی اقتصادی بیشتر به‌عنوان یک پروکسی برای سرمایه‌گذاری داخلی بهتر، حجم بازار بزرگ‌تر، بازده بیشتر سرمایه‌گذاری و تغییرات بیشتر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند منجر به افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود (کاپوریا و فورمان^۱، ۲۰۰۷: ۱۵۰). سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی در این مطالعه همانند نتایج مطالعات صورت گرفته در این زمینه (لاتور و موریاب^۲، ۲۰۱۲: ۲۵) تأثیر مثبت و معناداری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. این اثر زمانی که کشورها از سطوح پایین توسعه به سمت بالا حرکت می‌کنند، بسیار قوی‌تر است. سرمایه‌گذاری داخلی یک کاتالیزور خوب برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در DC است و به نظر می‌رسد یک پیش‌بینی‌کننده مناسب آن می‌باشد. در این راستا، ارتقا و توسعه شرکت‌های خصوصی می‌تواند منجر به جذب بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود. کشورهای درحال توسعه اهداف تشویق سرمایه‌گذاری داخلی بهره‌مند خواهند شد و عملکرد سرمایه‌گذاری بهتر داخلی می‌تواند

1. Kapuria-Foreman
2. Lauter & Moreaub

به‌عنوان محرک FDI باشد. شواهد نشان می‌دهد (نوننکمپ^۱، ۲۰۰۲) که به‌طور اخص سیاست‌های صنعتی، با هدف افزایش سودآوری و وسعت دادن به سرمایه‌گذاری داخلی، خواهند توانست جریان ورود FDI به کشور را افزایش دهند. بسیاری از کشورها تلاش دارند تا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از طریق اعطای یارانه و مشوق‌ها بیشتر جذب کنند. رقابت بین دولت‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سبب انتقال سود و رفاه از کشورهای میزبان به کشورهای خارجی چندملیتی می‌شود، درحالی‌که تحقیقات تجربی نشان می‌دهند مشوق‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی تنها می‌توانند نقش حاشیه‌ای در تعیین الگوی بین‌المللی FDI بازی کنند؛ بنابراین، انتخاب سیاست‌های کارآمدتر خواهد توانست بودجه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به سیاست‌های صنعتی انتقال دهد، یا هرگونه اقدامی جهت توسعه سرمایه‌گذاری داخلی، می‌تواند محرکی برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری باشد. همچنین، اندازه بازار می‌تواند در شرایطی که شرکت‌های چندملیتی قصد تولید برای بازار محلی داشته باشند به‌عنوان جذابیتی برای سرمایه‌گذاری باشد. بازار بزرگ‌تر برای کشورها می‌تواند فرصت‌های بهتری را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهد و بنابراین می‌تواند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری را جذب نماید. سرمایه‌گذاری می‌تواند به کشورهای سرازیر شود که از بازار بزرگ‌تر و قدرت خرید بیشتری برخوردار است (ال سادیگی^۲، ۲۰۰۹: ۲۹۰).

جدول ۷: نتایج حاصل از تخمین الگو (تأثیر متغیرها بر سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی)

	COC	CPI	DP	EF	IN	LFDI	LGDPCC	PS
	۰,۰۰۱۲	۰,۰۰۶۴۹۸	۱,۰۰۹۶۹۴	-۰,۰۰۶۶۹۴	۰,۰۰۳۹۰	۰,۰۰۳۷۳	۰,۰۰۰۱۰	۰,۰۰۱۰
DP(-1)	(۰,۰۰۱)	(۰,۰۰۷۶)	(۹۰,۰۱۰۹)	(۰,۰۰۳۷)	(۰,۰۱۶۴)	(۰,۰۰۵)	(۰,۰۰۰۱۸)	(۰,۰۰۰۵۲)
	[۱,۷۹]	[۱,۸۴]	[۹۲,۰۹۹]	[-۱,۲۳]	[-۲,۲۳]	[۱,۶۴]	[۱,۵۷]	[۲,۰۹]

منبع: یافته‌های تحقیق

تأثیر متغیرهای مدل بر سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی نیز در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج به‌دست آمده، ادراک فساد، کنترل فساد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اندازه بازار و ثبات سیاسی اثر مثبت و معنی‌داری بر سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی داشته‌اند. برخی مطالعات نشان می‌دهند بنگاه‌هایی که در جایگاه بالاتر ارزشی قرار دارند و از سهم بالای سرمایه‌گذاری برخوردار هستند، بیشترین رشوه‌ها را به منظور تصمیم‌گیری سریع پرداخت می‌کنند. لذا فساد کارایی تخصیصی را بهبود می‌بخشد. همچنین در بسیاری از مطالعات (بذریچ و ترابی، ۱۹۸۳: ۱۰) در کشورهای توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته ارتباط مثبت بین فساد و سرمایه‌گذاری مشاهده می‌شود. لذا می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که تأثیر مثبت و معنی‌دار ادراک فساد بر سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی به معنای این است که در کشورهای درحال توسعه هر قدر پرداخت رشوه

1. Nunnenkamp

2. Al-Sadig

بیشتر باشد به دلیل بالا بودن کارایی تخصیصی، میزان سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی نیز افزایش می‌یابد. فساد اقتصادی تنها با کشف و نابود کردن عوامل و ریشه‌های آن از بین خواهد رفت. مبارزه با فساد موضوعی بسیار مهم در تمامی اقتصادهای در حال رشد است. در برخی موارد فعالان بخش خصوصی جهت سریع‌تر رسیدن به اهداف خود و کسب سود بیشتر حاضر به پرداخت رشوه می‌شوند. به عبارتی وجود فساد سبب می‌شود که نگاه‌های خصوصی سود بیشتر را از طریق پرداخت رشوه و دور زدن برخی موانع قانونی به دست آورند و لذا سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی مبارزه با فساد از ریسک بالایی برخوردار است. اگر با فساد مقابله نشود مشکلات جدی اقتصادی را به وجود خواهد آورد و در صورت مبارزه با آن امکان کاهش سرمایه‌گذاری داخلی به‌وجود می‌آید (شهنازی و قرگوز، ۲۰۱۴: ۲۸)؛ و نیز زمانی که سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی افزایش یابد، فضای رقابتی برای سرمایه‌گذاری ایجاد می‌نماید که این مسأله خود سبب کنترل فساد خواهد شد. لذا موارد فوق، تأثیر مثبت و معنادار کنترل فساد بر سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی را تأیید می‌کند. همچنین، هر چه ثبات سیاسی بیشتر و فساد کمتر باشد، سرمایه‌گذاری خصوصی افزایش می‌یابد و در کشورهایی که در این گروه قرار گرفته و قانون حاکمیت بیشتری بین افراد جامعه دارد امکان انجام سرمایه‌گذاری خصوصی نیز افزایش می‌یابد. افزایش این شاخص منجر به افزایش رابطه مکملی بین سرمایه‌گذاری خصوصی و خارجی خواهد شد (هاتف و کرباسی، ۱۳۹۲: ۳۲). به‌عبارتی نااطمینانی سیاسی بر سرمایه‌گذاری داخلی تأثیر خواهد گذاشت و براساس نتایج مطالعات گذشته سبب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی می‌شود. زیرا سطوح بالای تغییرپذیری در ظرفیت سیاسی منجر به افزایش نااطمینانی سیاسی به دلیل عدم اطمینان سرمایه‌گذاران داخلی بخش خصوصی و لذا کاهش سرمایه‌گذاری داخلی می‌شود؛ زیرا در بسیاری از موارد زمانی که سرمایه‌گذاران داخلی با عدم ثبات سیاسی در کشور خود مواجه می‌شوند ترجیح می‌دهند برای تضمین سودآوری و نرخ بازگشت سرمایه در کشورهای مجاور و یا کشورهایی که ریسک سیاسی در آن‌ها پایین‌تر است سرمایه‌گذاری نمایند لذا سرمایه‌های داخلی از کشور خارج می‌شوند. به‌طورکلی، سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در کشوری که از محیط سیاسی پایدار، قابل پیش‌بینی و قابل قبول سرمایه‌گذاری نمایند.

در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی می‌توان اذعان داشت که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق معرفی محصولات و روش‌های جدید به کشورها و استفاده از آموزش روش‌ها و تکنیک‌های مدرن و جدید مدیریتی موجب افزایش سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی خواهد شد. اغلب کشورهای درحال توسعه با کمبود منابع مالی برای توسعه طرح‌های اقتصادی خود مواجه هستند؛ بنابراین، سرمایه‌گذاران خارجی، سرمایه‌گذاران داخلی را از طریق مشارکت در برنامه‌های سرمایه‌گذاری کمک می‌کنند. همچنین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجب بهبود فضای کسب و کار شده و لذا سرمایه‌گذاری داخلی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

اندازه بازار نیز براساس نتایج به دست آمده رابطه مثبت و معناداری را با سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی دارد. این امر نشان‌دهنده این است که هر قدر اندازه بازار بزرگ‌تر باشد، میزان سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی نیز بیشتر است؛ زیرا سرمایه‌گذاران زمانی که بدانند با بازار بزرگتری روبه‌رو هستند و تعداد افراد بیشتری برای درخواست تولید آن‌ها وجود دارد بیشتر تمایل به ورود به چنین بازاری دارند. در مقابل، نرخ تورم اثر منفی و معناداری را داشته و نیز کنترل فساد و آزادی اقتصادی اثر معناداری را بر سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی نداشته‌اند. دلیل اثر منفی و معنی‌دار تورم این است که افزایش تورم منجر به کاهش تعادل پولی می‌گردد که در نتیجه نرخ بهره افزایش می‌یابد و در نهایت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش می‌یابد. در بیشتر مطالعات صورت گرفته نیز تورم تأثیری معنادار و منفی بر سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی داشته است.

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج این تحقیق، ادراک فساد بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تأثیر معناداری نداشته است. این مسأله می‌تواند به این موضوع برگردد که اگر نرخ بازگشت سرمایه نااطمینانی‌های ناشی از وجود فساد را پوشش دهد، سرمایه‌گذاران خارجی نباید نگران سرمایه‌گذاری‌های خود در کشورهایی باشند که از سیستم سیاسی و اقتصادی پایداری برخوردار نبوده یا دارای تورم بالا هستند. به عبارت دیگر آن‌چه برای یک سرمایه‌گذار اهمیت دارد، مثبت و بالا بودن نرخ بازگشت خالص سرمایه است که به صورت تفاوت نرخ بازگشت اسمی سرمایه و نرخ‌های زیان ناشی از فساد و تورم تعیین می‌شود؛ اما کنترل فساد تأثیر معناداری را بر این متغیر داشته است؛ زیرا اغلب سرمایه‌گذاران خارجی ترجیح می‌دهند در کشوری سرمایه‌گذاری کنند که سود آن‌ها تضمین شده بوده و هیچ خطری سرمایه‌گذاری آنان را تهدید نکند. در مقابل هر دو شاخص ادراک فساد و کنترل فساد تأثیر مثبت و معناداری بر سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی داشته‌اند؛ زیرا در کشورهای در حال توسعه هر قدر پرداخت رشوه بیشتر باشد به دلیل بالا بودن کارایی تخصیصی، میزان سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی نیز افزایش می‌یابد و فساد اجازه می‌دهد تا ادارات دولتی سود و منافع مخفیانه دریافت نمایند. زمانی که سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی افزایش یابد، فضای رقابتی برای سرمایه‌گذاری ایجاد می‌نماید که این مسأله خود سبب کنترل فساد خواهد شد. لذا رابطه مثبت کنترل فساد بر سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی قابل قبول است. لذا همان‌طور که مشخص است، به‌طور کلی فساد بر سرمایه‌گذاری اثرگذار است. برخی معتقدند که راه‌حلی برای کنترل فساد وجود ندارد اما برخی دیگر اعتقاد دارند که مجازات مفسدین تنها راه مقابله با فساد اقتصادی است. فساد اقتصادی از بین نمی‌رود مگر با کشف و نابود کردن ریشه‌ها و عوامل آن. مبارزه با فساد یک موضوع جدی در تمامی اقتصادهای در حال رشد است. برای حرکت سریع به سوی اهداف بلندمدت و دادن امتیاز برای ورود بخش خصوصی و

سرمایه‌گذار خارجی در فعالیتهای اقتصادی، نیاز به ایجاد چالش‌هایی در رفتار مبتنی بر قوانین اقتصادی در جهت کسب سود بیشتر است. در چنین شرایطی باید با فساد اقتصادی با خطرات بالا مبارزه شود. اگر مبارزه با فساد جدی گرفته نشود، بیماری‌های اقتصادی به‌طور فزاینده‌ای رشد می‌کند. درحالی‌که مبارزه غیرمنطقی می‌تواند سرمایه‌گذاران تهدید نموده و منجر به تخریب سیستم امنیتی سرمایه‌گذاری شود.

منابع

- بذریچ، منیژه و ترابی، تقی (۱۹۸۳). «اثر نااطمینانی اقتصادی نای از تورم و فساد بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای درحال توسعه: مطالعه موردی کشورهای تازه صنعتی شده»، *فصلنامه اقتصاد کاربردی*، ۵(۳): ۱-۱۲.
- بیگی، حسن و پناهی، فاطمه (۱۳۸۹). «جایگاه ایران در اقتصاد جهانی در مقایسه با کشورهای منتخب (از منظر شاخص‌های توسعه انسانی، آزادی اقتصادی و فضای کسب و کار)»، *بررسی‌های بازرگانی*، ۱(۴۳): ۲۷-۴۲.
- دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۸۵). شاخص‌های فساد و رتبه‌بندی کشورها براساس این شاخص‌ها.
- رزمی، سید علی‌اکبر، رزمی؛ سید محمدجواد و شهرکی، سارا (۱۳۸۸). «تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا: بررسی علی»، *دانش و توسعه*، ۱۹(۸): ۵۸۱-۵۸۸.
- فاضلی، محمد و جلیلی، محدثه (۱۳۹۱). «تبیین سطح فساد: بررسی تطبیقی اثر کیفیت حاکمیت و حکمرانی خوب»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۲(۵): ۷-۴۰.
- کریمی موغاری، زهرا؛ مجاوریان، سید مجتبی و رسولیان‌نژاد، الهام (۱۳۹۳). *بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و آزادی اقتصادی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشورهای عضو اپک در دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۳*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- مشیری، سعید و کیان‌پور، سعید (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یک مطالعه موردی بین‌کشوری (۱۹۸۰-۲۰۰۷)»، *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، ۲: ۱-۳۰.
- مهرآرا، محسن و اسدیان، زینب (۱۳۸۸). «تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط»، *مطالعات اقتصاد بین‌الملل*، ۲۰(۲): ۱-۲۰.
- هاتف، حکیم و کرباسی، علیرضا (۱۳۹۲). «اثر شاخص‌های حکومتی و سرمایه‌گذاری خارجی بر سرمایه‌گذاری خصوصی در کشورهای آسیایی»، *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، ۲۰(۵): ۲۳-۴۷.
- Al-Sadig, A. (2009). "The effects of corruption on FDI inflows". *Cato Journal*, 29(2): 267-294.
- Adeoye, A. (2009). "Macro-Economic Level Corporate Governance and FDI in Emerging Markets: Is There a Close Relationship?", *Journal Economics and International Finance*, Vol. 1 (12): 030-043.
- Alemu, A. M. (2012). "Effects of Corruption on FDI Inflow in Asian Economies". *Seoul Journal of Economics*, Vol. 25(4): 387-412.
- Aparna. M. and Kartikeya, S. (2011). "Foreign direct investment, corruption and democracy". *Applied Economics*, 45(8): 991-1002.
- Bardhan, P. (1997). "Corruption and Development: A Review of Issues". *Journal of Economic Literature*, 35(3): 1320-1346.
- Boycko, M.; Shleifer, A.; Vishny, R. W.; Fischer, S. and Sachs, J. D. (1993). "Privatizing Russia". *Brookings Papers on Economic Activity*, 1993: 139-192.
- Campos, N. F.; Dimova R. and Saleh A. (2010). *Whether corruption? A Quantitative Survey of the Literature on Corruption and Growth, working paper*.
- Cuervo-Cazurra, A. (2008). "Better the Devil You Don't Know: Types of Corruption and FDI in Transition". *Journal of International Management*. 1(14): 12-27.
- Epaphra, M. and John Masswe, J. (2017). "The Effect of Corruption on Foreign Direct Investment: A Panel Data Study". *Turkish Economic Review*, 4(1): 19-54.

- Kapurria-Foreman, V. (2007). "Economic Freedom and Foreign Direct Investment in Developing Countries". *The Journal of Developing Areas*, 41(1): 143-154.
- Lauter, M. and Moreaub, F. (2012). "Domestic Investment and FDI in Developing Countries: The Missing Link". *Journal of Economic Development*, 37(3): 1-23.
- Lui, F. (1985). "An Equilibrium Queuing Model of Bribery", *Journal of Political Economy*, 93(4): 760-781.
- Lambsdorff, J.G. (2003). "How corruption affects persistent capital flows". *Economics of Governance*, 4: 229-243.
- Lambsdorff, JG. (2007). *Background Paper to the 2004 Corruption Perceptions Index: Framework Document Transparency International and University of Passau*.
- Lawal, G. (2007). "Corruption and Development in Africa: Challenges for Political and Economic Change", *Humanity & Social Sciences Journal*. 2(1): 1-7.
- Morrissey, O. and Udomkerdmongkol, M. (2012). "Governance, Private Investment and Foreign Direct Investment in Developing Countries". *World Development*, 40(3): 437-445.
- Mauro, P. (1995). "Corruption and growth". *The Quarterly Journal of Economics*, 681-712.
- Nunnenkamp, P. (2002). *Determinants of FDI in developing countries: has globalization changed the rules of the game?*
- Quazi, R. M. (2014). "Corruption and Foreign Direct Investment in East Asia and South Asia: An Econometric Study". *International Journal of Economics and Financial Issues*, 4(2): 231-242.
- Quazi, R.; Vemuri, V. and Soliman, M. (2014). "Impact of Corruption on Foreign Direct Investment in Africa", *International Business Research*, 7(4):1-10. <https://doi.org/10.5539/ibr.v7n4p1>.
- Ravi, S. P. (2015). "Does Corruption in a Country Affect the Foreign Direct Investment? A Study of Rising Economic Super Powers China and India". *Open Journal of Social Sciences*, 3(1): 99-104.
- Shahnazi, K. and Gharagoz, S. A. (2014). "The impact of corruption on private domestic sector investment Case Study: selected developing countries". *International journal .Soc. Sci & Education*, 4: 19-31.
- Shakib, H. (2016). "Foreign direct investment (FDI) and corruption: Is it a major hindrance for encouraging inward FDI?". *African Journal of Business Management*, 10(10): 256-269.
- Transparency International (2015). *Corruption Perceptions Index*. Berlin: TransparencyInternational, http://www.transparency.org/policy_research/surveys_indices/cpi/2015.
- Voyer, P. and Beamish, P. (2004). "The Effect of Corruption on Japanese Foreign Direct Investment". *Journal of Business Ethics*, 50(3): 211-224
- Van Rijckeghem, C. and Weder, B. (1997). *Corruption and the Rate of Temptation: Do Low Wages in the Civil Service Cause Corruption?* IMF working papers.
- Woo, JY. (2010). "The Impact of Corruption on a Country's FDI attractiveness; A Panel Data Analysis", 1984-2004. *Journal. International and Area Studies*, 17(2): 71-91.
- Woo, J. and Heo U. (2009). "Corruption and Foreign Direct Investment Attractiveness in Asia", *Asian Politics & Policy*, 1(2): 223-238.